

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبا هنگ راد

۳۰.۰۴.۱۰

رضا پهلوی هم هوادار "کارگر" از آب در آمد!!!

طنز قضیه در آن است که سرمایه‌داران و بانیان به فلاکت کشاندن زندگی کارگران هم خود را به عنوان مدافعان آنان جا می‌زنند؛ و پای خود را از وضعیت به وجود آمده به کنار می‌کشند. چگونه می‌توان از یکطرف از بی حقوقی کارگران سخنی به میان آورد و از طرف دیگر مسبب اوضاع کنونی و زندگی دهشت‌بار میلیون‌ها کارگر بود؟ این سرمایه‌داران‌اند که مؤلف هزاران بدبختی و معضلات کنونی در سرتاسر جهان‌اند. این جانیان بشریت‌اند که با تعرض به تنم‌های کارگران بر حاکمیت به ناحق خویش ادامه می‌دهند. هیچ قشر و صنفی از گزند آنان در امان نبوده و نیست. در ازای کار و استثمار شدید کارگران و زحمت‌گشان است که ارتزاق می‌کنند و از سرِ نیرو و بازوی توانمند کارگران است که جانمایی همچون رضا پهلوی‌ها به زندگی انگل‌وار خود ادامه می‌دهند. کارگر در مناسبات تعریف شده آنان کاملاً بی حقوق است. به دلیل این‌که قانون‌شان تماماً در جهت منفعت طبقه سرمایه‌دار تنظیم گردیده است.

کارگران در جوامع سرمایه‌داری فاقد حقوق اولیه خویش‌اند. دلیلی بر، بر شماری علل وضعیت اسفبار زندگی آنان نیست و واضح است که سرمایه‌دار مقصر اصلی‌ست. این دو طبقه از بُعد سیاسی - تاریخی دو مسیر کاملاً متضاد از هم را در پیش می‌گیرند. دشمن طبقاتی یکدیگراند و شکی در آن نیست که منفعت طبقه کارگر و به رسمیت شناختن حقوق کارگران با دفن کامل سرمایه‌داران گره خورده است. خلاف این، خلاف هرگونه باوری به منفعت محرومان است. سرمایه از قبل استثمار بی حد و حصر و پایمال نمودن پایه‌های‌ترین خواسته‌های کارگران، سیستم خود را به گردش در می‌آورد و بدون انجام چنین سیاستی قادر به حاکمیت نیست. نمی‌توان در روز جهانی کارگر سرمایه را به "خوب" و "بد" تقسیم نمود و به "خوب" غیر دولتی چسبید. هر دو انگل‌اند و هر دو را باید و می‌باید به ته چاه انداخت.

متأسفانه زمانه عوض شده است. از راست راست تا چپ چپ این روزها به میدان آمده‌اند و در وصف روز جهانی کارگر و روزی که مسبب آن بانیان سرمایه و جیره‌خوارانش می‌باشند، می‌نویسند و از اوضاع وخیم معیشتی - سیاسی کارگران سخن می‌گویند. در این میان رضا پهلوی هم از آن دست آدم‌هایی‌ست که در بلبشوی بازار سیاسی فرصت را مغتنم شمرده و طی پیامی به کارگران می‌گوید: "با تأسف این بخش از مبارزین ایران در شرایطی به پیشباز این روز جهانی می‌روند که استبداد و خفقان شدیدی بر کشور حاکم است و شمار زیادی از همقطاران آنان در زندان‌ها به سر می‌برند و فشار فقر، بیکاری، گرانی و تورم و فضای محنت‌زای عمومی بر دوش آنان سنگینی می‌کند".

به راستی که مدافعین دیرینه سرمایه و استثمار کنندگان کارگران و محرومان بر این خیال و باوراند که می‌توان تاریخ نوشته شده را تحریف و ذهن و حافظه مدافعان جوامع انسانی و نابرابر را پاک نمود. خاندان پهلوی شیرۀ جان کارگران ایران را مکیند و آن‌چنان استبدادی بر جامعه حاکم گردانیدند که قابل توضیح نیست. استثمار و سودبری از نیرو و بازوی کارگر در سیستم و مناسبات آنان حد و مرزی نداشت. سی سالی‌ست که رضا پهلوی بعد از دودمان شدن سلطنت، از سرمایه‌های باد آورده به زندگی اشرافی و نکستی خود ادامه می‌دهد. روز کارگر در آن نظام پهلوی بی‌معنا بود و سخن گفتن از روز کارگر به جرمی نابخشودنی تلقی می‌گردید. کارگر در بند آب و نان خویش گرفتار بود و قادر به تأمین نیازهای اولیه زندگی خود نبود. فقر در ابعادی گسترده بر شانه‌های کارگران و

زحمت‌کشان سنگینی می‌کرد و هرگونه اعتراضی نسبت به بی‌عدالتی‌های موجود با زور و شکنجه و سرکوب پاسخ داده می‌شد.

فراموش نه شده است که چگونه نظام سلطنتی و مورد پسند رضا پهلوی اختناق و استبداد را به بالاترین حد خود رسانده بود و خاندان قسی‌القلب، زندان‌ها را پر از مخالفین و کمونیست‌ها نمودند. حق‌الزحمه کارگران را بالا می‌کشیدند و در عوض کارگران را از داشتن حقوق اولیه باز می‌داشتند. زندگی کارگران در تمامی دوران حاکمیت سرمایه در ایران محنت‌زا و فرسایشی بود و نداری داشت بیداد می‌کرد. مگر بی دلیل بود که مردم در آن سال‌ها به پاخاستند و خواهان نابودی نظام پهلوی بودند؟ مگر خاندان سلطنتی حقوق کارگران و زحمت‌کشان را به رسمیت می‌شناخت و شکاف عمیق طبقاتی روز به روز گسترده و گترده‌تر نمی‌گردید؟

از منظر مدافعان کارگران نظام کنونی دنباله و سیاست نظام گذشته را در حق کارگران و زحمت‌کشان در پیش می‌گیرد و ماهیتاً تفاوتی با هم ندارند. هر دو نظام حافظ و مدافع طبقه سرمایه‌دار است و هیچ‌کدام به درد کارگران و محرومان نمی‌خورند. بدون کمترین تردیدی کارگر در چنین چهارچوبه و نظام‌هایی فاقد حقوق اولی است. سرمایه حق کارگر را بر حلقوم گشاد خود سرازیر می‌نماید تا بر زندگی خود رونق هر چه بیشتری بخشد. ذات حاکمان زورگو در تلنبار نمودن سرمایه به جیب مفت‌خواران و در بیکارسازی و در گسترده‌گی فقر و فلاکت محرومان نهفته می‌باشد. همه شان با زور سر نیزه و با راهاندازی زندان‌های متفاوت جامعه را کنترل می‌نمایند. همه مدافعان سرمایه از آب‌شخوار واحدی ارتزاق می‌کنند و فرقی با هم ندارند و قصدشان کنترل جامعه به مطلوب‌ترین شکل ممکن و در بقای درازمدت حاکمیت طبقه سرمایه‌دار است.

چاره و خلاصی چنین وضعیت اسفباری در طرد همه مدافعین سرمایه از صفوف انقلاب و نیروهای مدافع آن مربوط می‌باشد و عناصر وابسته و مزدوری همچون رضا پهلوی در میان کارگران و زحمت‌کشان فاقد اعتباراند. به عبارتی دقیق‌تر پایه و خصلت روز جهانی معین و مشخص می‌باشد و کارگر در این روز با برافراشتن پرچم مستقل خود و به دور از هرگونه مماشانات طلبی و با طرح شعارهای کوبنده، سرمایه‌داران دولتی و غیر دولتی، حکومتی و غیر حکومتی را مورد خطاب قرار می‌دهد و خواهان بر چیدن نظام‌های طبقاتی و نابرابر است. این نظام‌ها و اشکال حکومتی در دوران متفاوت امتحان خود را پس داده‌اند و در عمل به اثبات رسانده‌اند که کمترین دل بستگی و تعلق به کارگران و زحمت‌کشان ندارند. کارگر پرچم و آرمان خود را دارد و با پرچم و با خط و نشان خود به میدان خواهد آمد و در مقابل سرمایه هم پرچم استنمار و سرکوب را در دستان خود گرفته است. رنگ دو سر جنگ طبقاتی مشخص است و با دغل‌بازی و فریب و ریاکاری نمی‌توان خود را به رنگ کارگران و زحمت‌کشان مزین نمود. مطمئناً انقلاب واقعی، انقلابی که آرمان و سیاست کارگران و زحمت‌کشان بر آن چنگ انداخته است، پاسخ واقعی خود را به همه مدافعین سرمایه و به همه کسانی که در دوره‌های متفاوت به استنمار و سرکوب کارگران و زحمت‌کشان و فرزندان‌شان پرداخته‌اند را خواهد داد. نه تاریخ را می‌توان وارونه نوشت و به نسل‌های آینده تحویل داد و نه اعمال مزدوران و وابستگی‌های همچون رضا پهلوی را می‌توان از قلم انداخت. طبعاً چنین رفتاری از خاصیت هر انقلاب بنیادی‌ست. انقلابی که تنها و تنها متضمن منافع کارگران و همه محرومان است.

۱۰ اردیبهشت [ثور] ۱۳۸۹

۳۰ اپریل ۲۰۱۰

لینک

http://www.rezapahlavi.org/media/pdf/451_Rooze_Kargar_-89.pdf